







1er  
Duc de  
Brabant.

Antiquus 2<sup>e</sup> Duc de  
Brabant.

Charles le Bel 3<sup>e</sup> Duc  
de Brabant.

Landus 4<sup>e</sup> Duc  
de Brabant.

Austrius 5<sup>e</sup> Duc de  
Brabant.

Charles Nars 6<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Estharius 7<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Carloman 8<sup>e</sup> Duc de  
Brabant.

Pepin 9<sup>e</sup> Duc de  
Brabant.

Erismodus  
de Brabant.



Pepin le Bref 10<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 10<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 11<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 12<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 13<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 14<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 15<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 16<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 17<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 18<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.



Charles Martel 19<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 20<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 21<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 22<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 23<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 24<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 25<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 26<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 27<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 28<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.



Pepin le Bref 29<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 30<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 31<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 32<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 33<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 34<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 35<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 36<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Pepin le Bref 37<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.

Charles Martel 38<sup>e</sup>  
Duc de Brabant.





# سپاهوی بیمار برای هیچ

ویلیام شکسپیر

به روایت سیدنوید سیدعلی اکبر







## هیاهوی بسیار برای هیچ

ویلیام شکسپیر

به روایت سیدنوید سیدعلی اکبر

دبیر مجموعه و طراح گرافیک: علی بخشی

تصویرگر روی جلد: نسترن عنبری

تصویرسازی: فرانک هاوارد، مجموعه‌ی جوهره‌ی نمایشنامه‌های شکسپیر

ویراستار: فرناز حیدری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

چاپ دوم: ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۶۵-۶

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۷۲-۴

- همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
- هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

سرشناسه: سیدعلی اکبر، سیدنوید، ۱۳۶۲ -  
عنوان و نام پدیدآور: هیاهوی بسیار برای هیچ / ویلیام شکسپیر؛ به روایت سیدنوید سیدعلی اکبر.  
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.  
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.  
فروست: شکسپیر خندان: ۷.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۶۵-۶-۲۰۴-۶۲۲-۲۰۴-۱۷۲-۴ دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۶۵-۶-۲۰۴-۱۷۲-۴  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: کتاب حاضر اقتباسی از کتاب "هیاهوی بسیار برای هیچ" اثر ویلیام شکسپیر است.  
موضوع: شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴ - ۱۶۱۶ م. هیاهوی بسیار برای هیچ -- اقتباس‌ها  
موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴  
موضوع: Persian fiction -- 20th century  
شناسه افزوده: شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴ - ۱۶۱۶ م. هیاهوی بسیار برای هیچ  
رده بندی کنگره: PIRAT348  
رده بندی دیویی: ۸۱۳/۶۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۴۴۰۶۰

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،  
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵

تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵

info@hoopa.ir

www.hoopa.ir

**هوپا**  
Hoopa



نمی‌شود این کله‌ی تخم‌مرغی و چشم‌های تیز و این لب‌های ترد و شکننده را از تاریخ ادبیات دنیا حذف کرد. نمی‌توان شاعر بود و شکسپیر نخواند. نمی‌توان عاشق تئاتر بود و نمایش‌های شکسپیر را روی صحنه ندید. بدون شکسپیر دنیا حتماً جای به‌دردنخوری بود. اگر او نبود، آن زنان عاشق و بی‌پروا، آن مردان غمگین و سودازده، آن دلک‌های همیشه‌خندان فهمیده، آن لحظات عمیق خیره‌شدن به صحنه‌ی روشن از دل تاریکی را دیگر کجا می‌شد پیدا کرد؟

تازه از نمایشنامه‌های شکسپیر کلی فیلم ساخته‌اند. آکیرا کوراساوا با فیلم سریر خون، گریگوری کوزینتسوف با فیلم هملت، کیت برانا با هنری پنجم، فرانکو زفیرلی با فیلم رومئو و ژولیت و





حتی راجر آیرس با کارتون شیرشاه، تنها چند تا از خیل عظیم سینماگرهایی هستند که از نمایشنامه‌های شکسپیر اقتباس سینمایی کرده‌اند.

حالا دیگر خیلی از داستان‌ها و رمان‌های امروزی را بدون ارجاع دادن به شخصیت‌ها و تم‌های شکسپیر نمی‌توان فهمید. کاپیتان آهب رمان موبی‌دیک اثر هرمان ملویل از جنس مردان بدفرجامی چون مکبث است.

اما از زندگی خود شکسپیر هیچ‌کس چیز زیادی نمی‌داند. گویا در ۲۶ آوریل ۱۵۶۴ در شهر استراتفورد انگلستان پسری به دنیا آمده که کودکی و نوجوانی چندان دل‌پذیری نداشته است. خیلی زود ترک تحصیل می‌کند و مشغول کار می‌شود و در هجده‌سالگی هم ازدواج می‌کند. بعد هم صاحب سه بچه‌ی قدونیم‌قد می‌شود. البته تروخشک کردن و سیرکردن شکم این بچه‌ها در مقابل گرفتاری بعدی‌اش هیچ به حساب می‌آیند. آن‌طور که گفته‌اند شکسپیر در شکارگاه یکی از کله‌گنده‌های استراتفورد شکار

می‌کند و چون لو می‌رود مجبور می‌شود از این شهر فرار کند و به لندن برود. آن‌جا هم در تماشاخانه‌های شهر مشغول کار می‌شود، اما هم‌زمان شروع به نوشتن و بازیگری هم می‌کند. طولی نمی‌کشد که برای خودش شهرتی به هم می‌زند و از فلاکت نجات پیدا می‌کند. از دهه‌ی سوم زندگی‌اش به‌بعد ده‌ها نمایشنامه و شعر می‌نویسد و در تماشاخانه‌های لندن مخصوصاً در تماشاخانه‌ی گلوب که سهام‌دار آن هم بود کارگردانی می‌کند. او سال‌ها بعد به استراتفورد برگشت و همان‌جا در ۲۵ آوریل ۱۶۱۶، در سن پنجاه‌وسه‌سالگی درگذشت.

شکسپیر سی‌وهفت نمایشنامه نوشته است و تعدادی شعر. نمایشنامه‌های او را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: تراژدی‌ها، کمدی‌ها و آثار تاریخی.

تراژدی‌ها نمایشنامه‌هایی هستند که سرگذشت غم‌انگیز و عبرت‌آموز یک یا چند شخصیت معمولاً و الا مقام را نمایش می‌دهند. این شخصیت‌ها هیچ‌کدام عاقبت‌به‌خیر نمی‌شوند.

اصل تراژدی به سنت نمایش‌های یونان باستان برمی‌گردد. از نمایشنامه‌نویس‌هایی مثل سوفوکل و اورپید که قرن‌ها قبل از میلاد مسیح زندگی می‌کرده‌اند چندین تراژدی باقی مانده است.

اما نمایش‌های کمدی هم ریشه در یونان باستان دارند. در این نمایش‌ها که معمولاً آدم‌های عادی شخصیت‌های اصلی آن‌ها هستند اتفاقات خنده‌داری می‌افتد که ناشی از اشتباهات غیر عمد یا ویژگی‌های احمقانه‌ی انسان‌هاست. تماشاگر هم موقع دیدن این آثار خیالش راحت است که قهرمان‌های داستان به مراد دلشان می‌رسند و قصه پایان خوش دارد. آریستوفان و میناندر از کمدی‌نویس‌های یونان باستان بوده‌اند.

نمایشنامه‌های تاریخی شکسپیر هم بر مبنای وقایع واقعی تاریخ اروپا نوشته شده‌اند. نمایشنامه‌هایی مثل ریچارد سوم و هنری هشتم که هنوز هم بسیار محبوب هستند و در تماشاخانه‌های دنیا اجرا می‌شوند.

ما در مجموعه‌ی شکسپیر خندان کمدی‌ها و در مجموعه‌ی شکسپیر گریان تراژدی‌های شکسپیر را به قصه‌هایی روان و خواندنی تبدیل کرده‌ایم. سیدنوید سیدعلی اکبر ساختار دیالوگ‌محور نمایشنامه‌ها را تغییر داده، اما اصل ماجراها و شخصیت‌های اصلی را حفظ کرده است. در ضمن تصویرهای این کتاب‌ها هم اثر یک نقاش درجه‌ی یک به نام فرانک هاوارد است که در قرن نوزدهم نمایشنامه‌های شکسپیر را تصویرگری کرده است. او تا سال ۱۸۳۳ تصویرگری مجموعه‌ی آثار شکسپیر را کامل کرد و اسم آن را هم گذاشت: جوهره‌ی نمایشنامه‌های شکسپیر.

امیدواریم از خواندن این مجموعه کتاب آن قدر خوشتان بیاید که اراده کنید و بروید سراغ اصل نمایشنامه‌های شکسپیر. به قول شکسپیر: جسم ما باغ است و اراده‌ی ما باغبان.

علی بخشی



میانوی بسیار  
بازی هیچ





کاخ زیبایی بود، همه جاش سبز و پر از طاق‌هایی  
از یاس‌های سفید و زرد. اقا‌ق‌ی‌های بازیگوش و  
غُنچه‌رُزهایی که شبیه دوشیزگان اشرافی که در جمع  
نمی‌خندند، خودشان را سفت، بسته و خجالتی و قشنگ روی  
شاخه‌ها نگه داشته و جا خوش کرده بودند. قهقهه‌های دوشیزه‌ی  
آن کاخ اما غروب همیشه غمگین آفتاب را به ریشخند گرفته بود.  
صدای بلند خنده‌اش در تالار می‌پیچید:

«پس اون ابله هم داره برمی‌گرده اینجا! چه شب قشنگی  
می‌شه!»



اسمش بناتریس<sup>۱</sup> بود. لباس آبی تیره‌ای تنش. پیچ‌وتاب موهای سیاهش را روی شانه‌هاش ریخته بود و رها و ول می‌خندید؛ انگار که منتظر ورود دلکک نمایش باشد. کنارش دخترعموش ایستاده بود، با لباس سفید و ساده، قدکوتاه و پُر، مثل اسب‌های پاکوتاه وحشی؛ و لب‌هاش انگار توت‌فرنگی‌های کوچکی که در دامنه‌ی کوه می‌رویند. بناتریس دست‌های دخترعموش را گرفت و همان‌طور که توی هوا تابشان می‌داد و می‌رقصانده‌شان، جیغ کشید:

«شنیدی پیک چی گفت هیرو<sup>۲</sup>؟ داره می‌آد. اون بندیک<sup>۳</sup> احمق داره برمی‌گرده اینجا! امشبمون رو می‌شینیم به خندیدن! یک رفیقی هم داره انگاری، کلودیو<sup>۴</sup> نامی گویا. کاشکی اون هم مثل خودش خنده‌دار و احمق باشه!»

این‌یکی دختر، هیرو، انگاری آن‌روی سکه‌ی بناتریس بود.

- |             |            |
|-------------|------------|
| 1. Beatrice | 2. Hero    |
| 3. Benedick | 4. Claudio |

جنسش از اندوه شعر، سربه‌زیر و تودار، و توی چشم‌هاش یک‌جور غمی بود که همیشه خیس نگاهشان می‌داشت. در برابر آن همه شور و هیاهو فقط لبخند کوچکی روی لب‌هاش نشست و به پدرش، لئوناتو<sup>۱</sup>، نگاه کرد که نامه‌ی پیک را می‌خواند.

لئوناتو ردای زردوزی شده‌اش را تا روی شانه‌ها بالا کشید و گفت: «خب دخترها! امشب مهمان‌های عزیزی داریم که یک ماهی کنار ما خواهند بود! دون‌پدرو<sup>۲</sup>، شاهزاده‌ی آراگون<sup>۳</sup>؛ برادر نانتی‌اش، دون‌جان<sup>۴</sup>، و دو قهرمان اشراف‌زاده که تازه از جنگ برگشته‌اند، بندیک و کلودیو! امیدوارم روزهای دل‌نشین و خاطره‌انگیزی برای همگی‌مون پیش رو باشه.»  
شب از راه می‌رسید، آبستن عشق‌هایی خنده‌دار...

- |  |              |
|--|--------------|
| 1. Leonato   | 2. Don Pedro |
| ۳. Aragon: حکومت خودمختاری که در شمال شرقی اسپانیا واقع است. |              |
| 4. Don John  |              |





نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند، زیرا؛ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کنند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود. این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است. و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر .....